

دکتر سید هادی حائری در این زمینه تحت سرقات می‌نویسد:
 ”چند سال پیش از این، پیرمردی ظهور کرد که در فاصله بسیار اندک توانست
 مقامی فراتر از دیگران به دست آورد، تا که آوازه شاعری او، در همه اقطار این
 کشور پیچید...“

پیش از صد سال است که کلیات
 حزین در مطبع نولکشور، کانپور
 در سال ۱۲۱۱ هـ/ ۱۸۹۳ م به طبع
 رسیده است.

نویسنده این سطور نیز از دل‌باختگان غزل‌های
 شورانگیز این پیرمرد «بزرگوار» گردید... پس از
 مدتی، دکتر شفیع کدکنی هنگام مطالعه یکی از
 تذکره‌ها، چند بیت از ”شعرهای این پیر مرد
 بزرگوار معاصر“ را در شرح احوال حزین
 لاهیجی یافت... به جستجو پرداخت و در

تذکره‌های دیگر، ابیات دیگری نیز از همین دست یافت که این شاعر «معاصر» از
 غزلیات حزین تضمین کرده بود.

سپس دیوان حزین را در مطالعه گرفت... و دانست که هرچه بیشتر، غزلیات
 حزین را رونویس کرده و فقط تخلص آنها را دگرگون ساخته و به نام خویش در جراید
 و مجلات مرکز، چاپ و منتشر کرده است.

نویسنده هنگامی که این موضوع را در یکی از مجلات هفتگی تهران منتشر کرد،
 بسیاری از مریدان این پیرمرد به فریاد برخاستند... سرانجام داستان خاتمه یافت و
 پذیرفتند که این غزلها از حزین لاهیجی بوده است. و او از دیوان حزین رونویسی کرده
 و با تغییر تخلص به نام خود منتشر می‌ساخته است. بعداً آن شخص از در توجیه درآمد
 و به رؤیا و کشف و کرامت دست زد و به گروه مریدان فرمود که ”در عالم خواب حزین
 را دیدم و او به من گفت که من (حزین) شاعر خوبی هستم... اما گمنام مانده‌ام... از
 تو می‌خواهم که این شعرها را به نام خود منتشر کنی.“

یادآوری این نکته از نظر تاریخی بی‌مناسبت نیست که در روزگار حزین نیز گویا
 بعضی از غزل‌های وی را شاعری سرقت می‌کرده است و حزین این قطعه را که مناسب
 حال این مرد روزگار ما نیز هست، سروده است:

غزلی برده «رندکی» از من که نگویم ز ننگ، نامش باز

«سخن عاشقان» نمایان است «بوالهوس» کی شده‌ست محرم راز؟
 مؤلفان ریاض‌الشعرا، نشتر عشق و ریاض‌العارفین از ابیاتِ حزین ۵۰۰ بیت، ۱۴
 بیت، ۱۵۰ بیت و چهار رباعی و ۵۳ بیت انتخاب نموده‌اند. اینجانب مزید از آنها ابیاتی
 انتخاب نموده است که در ذیل آورده می‌شود:

داغ سودای تو دارد دل دیوانهٔ ما کعبه لیبیک زند بر در بتخانهٔ ما

*

این است که در برده و خون کرده کسی را بسم الله اگر تاب نظر هست کسی را

*

به‌هند گشته زمین‌گیر تا توانی ما رسیده است به‌لب روز زندگانی ما

*

تا باد صبا بوی حرا در چمن آورد برداشته هر شاخِ گلی دست دعا را

*

جنون را کارها باقیست با مشت غبار ما که بازی‌گاه طفلان می‌شود خاک مزار ما

*

خواه از لب مسیحا خواه از زبان ناقوس صاحب‌دلان شناسند آواز آشنا را

*

شور محشر از دل پیر و جوان برخاسته‌ست تیغ بیدار که یارب از میان برخاسته‌ست

*

در دل چو به‌یاد رُخ او نُور فروریخت چون طور بنای دل رنجور فروریخت

*

کشور حسن ترا باغ و بهاری عجیبی است هرطرف مستی و هرگوشه غزل‌خوانی هست
 حق را بطلب مسجد و میخانه کدامت از باده بگو شیشه و پیمانۀ کدامت

*

گریبان چاکم و جانان مرا دیوانه پندارد شکایت‌های هجران مرا افسانه پندارد

*

در دیده مرا بی‌تو پریشان نظری بود خونانۀ آغشته به‌لخت جگری بود

*

می‌آید از گویِ مُغان طرزِ طرب‌ناکش نگر صبح قیامت می‌دمد پیراهن چاکش نگر

*

حزینی را که ما دیدیم صد ره ننگ می‌آمد

مسلمان را ز ایمانش برهمن را ز آئینش

*

گر یادِ حزین وعدهٔ دیدار نماید تا روزِ جزا با دل و چشم نگران باش

*

روی که جلوه کرد که حیرانم اینچنین زلف که دیده‌ام که پریشانم اینچنین

*

داغند ز رخسارِ تو ای رشک چمنها چون لاله شهیدان چمن زار کفنها

*

دایم به تلخکامی یاران خورم دریغ بر خوان دهر سفله به مهمان خورم دریغ

در عالمی که اهل تمیزند ابلهان یک سان به حال زیرک و نادان خورم دریغ

*

عقل گریزد از دهنِ اژدها حزین هشدار تا که مفت نیفتی به دامِ خلق

*

شاید ز کفر عقدهٔ دل وا شود حزین از دست سبچه داده و زَنار بسته‌ام

*

دلیم از نعمهٔ حافظ به سماع است حزین در نهانخانهٔ عشرت صنمی خوش دادم

*

بشنو حدیثِ حافظ شیرین سخن حزین دور فلک درنگ ندارد شتاب کن

*

حزین از زندگی این بس مرا کز بعد مرگ من

کند خوش اهل معنی را کلام دلپذیر من

*

دارم حزین به زیرِ نگین ملک فقر را ایران به نیمِ حبهٔ و توران به نیمِ جو

*

می‌رسی از صبا اگر از سر کوی یارِ من
بویی از آن چمن چه شد برگی از آن بهار کو
*

این آن غزلِ عراقی ماست آن پرده سرای عاشقان کو
*

عنقای مغربی که جهان زیر بال اوست از بوالحسن به حضرت عطار آمده
*

سوی محراب شدم لبِ می ناب آلوده در بغل مصحف و دامن به شراب آلوده
*

این جواب غزل قاسم انوار که گفت می به مستان بده و توبه به هشیاران ده
*

در سراپرده وجود حزین همه عشق است باقی افسانه
*

میخانه‌ها در جوش تو دیوار و در مدهوش تو
مست از لب خاموش تو ناقوس هر بتخانه‌ای
*

دیده جز بوالعجبی هیچ نبیند در هند فلک انداخته ما را به دیارِ عجیبی
*

در جهنم کده هند که از تابِ هوا شعله‌ور چون پر پروانه بود بالِ ملخ
بعد از مطالعه احوال و آثارِ حزین به این نتیجه رسیده‌ام که زندگانی حزین پُر از حوادث گوناگون بوده، اما شاعر به هیچ وجه هنر اصلی خود را از دست نداده و در زمان خود، بزرگ‌ترین شاعر ایران و هند بوده است. او دوستان و شاگردان و آشنایان بی‌شماری داشت و با مراکز گوناگون ایران و هند آشنا بوده. از میان معاصران وی، به میرزا مهدی نصرآبادی اصفهانی فرزند میرزا طاهر نصرآبادی و از میان شاگردان وی، به شیخ آیت الله کشمیری متخلص به «ثنا» می‌توان اشاره کرد. از شاگردان معتبر و ممتازِ حزین «راجہ رام نراین موزون» ناظم عظیم‌آباد بود که به سبب خواهش و استدعای وی شیخ به عظیم‌آباد رفت.

منابع

۱. آفتاب رای لکهنوی، منشی (م: ۱۸۸۳ م): تذکره ریاض العارفین (تألیف: ۱۳۰۰ هـ)، به تصحیح و مقدمه سید حسام‌الدین راشدی، از انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد (پاکستان)، ۱۳۶۱ خورشیدی/۱۴۰۲ هـ/۱۹۸۲ م.
۲. حائری، دکتر سید هادی: "شاطر عباس"، یکی از عوام‌الناس و شاعری با احساس (بخش دوّم)، آشنا، شماره ۲۹، سال پنجم خرداد و تیر ۱۳۷۵، تهران.
۳. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: دیوان حزین لاهیجی، به‌ضمیمه تاریخ و سفرنامه حزین، به‌تصحیح بیژن ترقی، انتشارات کتابفروشی خیام، تهران، چاپ دوّم اردیبهشت‌ماه ۱۳۶۲ هـ.ش.
۴. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: کلیات حزین لاهیجی، مطبع نولکشور، لکهنو، ۱۲۹۳ هجری، ص ۱۰۳.
۵. خوشگوی دهلوی، بندرین داس: سفینه خوشگو (تألیف: ۱۱۳۷-۱۱۴۷ هـ) به‌تصحیح سید شاه محمد عطاء‌الرحمن کاکوی، سلسله انتشارات اداره تحقیقات عربی و فارسی، پتنا، رمضان‌المبارک ۱۳۷۸ هـ/مارس ۱۹۵۹ م.
۶. عابدی، سید امیر حسن: "دیوان قصاید خاموش"، معارف، سپتامبر ۱۹۹۵ م، دارالمصنّفین، شبلی آکادمی، اعظم‌گره.
۷. عاشقی عظم‌آبادی، حسین قلی خان: نشتر عشق (تألیف: ۱۲۳۳-۱۲۲۴ هـ)، تصحیح از اصغر جانفدا، مؤسسه شرق‌شناسی، آکادمی علوم جمهوری شوروی سوسیالیستی، دوشنبه، تاجیکستان، ۱۹۸۸-۱۹۸۱ م، ج ۲، ص ۴۷۵.
۸. غالب دهلوی، میرزا اسدالله خان: کلیات غالب، مطبع نولکشور، لکهنو، چاپ سوم ۱۳۴۳ م.
۹. قدرت گوپاموی، محمد قدرت الله (م: ۱۲۸۰ هـ): نتایج الافکار (تألیف: ۱۲۵۸ هـ/۱۸۴۲ م)، چاپخانه سلطانی، بمبئی، دی‌ماه ۱۳۳۶ هجری.
۱۰. مبتلای مشهدی، مردان علی خان: منتخب‌الشعار (تألیف: ۱۱۶۱ هـ)، ترتیب و تلخیص دکتر محمد اسلم خان، اندوپرشین سوساییتی، دهلی، ۱۹۷۵ م.
۱۱. واله داغستانی، علی قلی خان (م: ۱۱۷۰ هـ): ریاض‌الشعرا (تألیف: ۱۱۶۱ هـ/۱۷۴۸ م) (خطی)، شماره ۳۷۵۴، موزه ملی، دهلی‌نو، ص ۱۱۸.
۱۲. هندی لکهنوی، بهگوان داس، سفینه هندی (تذکره شعرای هند) (تألیف: ۱۲۱۹ هـ/۱۸۰۵-۱۸۰۴ م)، تصحیح سید شاه محمد عطاء‌الرحمن عطا کاکوی، پتنا، ۱۹۵۸ م.

جایگاه حزین در مقام عالم دین

مهدی باقر*

شیخ محمد علی حزین لاهیجی از جمله چهره‌های مشهور چند بعدی علمی و ادبی است که در خصوص شیوه تفکر این نابغه شعری حرف و حدیث بسیاری وجود دارد. بعضی‌ها او را تنها شاعر شناخته‌اند و عده‌ای هم وی را عالم دینی یا حکیم و فیلسوف دانسته‌اند. اما در این شکی نیست که او دارای شخصیت فوق‌العاده‌ای است که اگر بخواهیم از یک جنبه علمی و فرهنگی وی سخن بگوییم، قرین عدالت نخواهد بود و لذا تمام «حزین دوستان» موظف‌اند که در بین چند چهرگی حزین، شخصیت اصلی وی را بشناسند و بشناسانند.

پدر حزین لاهیجی (شیخ ابوطالب) از نسل شیخ ابراهیم زاهد گیلانی بود. این شیخ زاهد همان کسی است که پادشاهان صفویه وی را پیر و مرشد خود به‌شمار می‌آوردند. حزین روز دوشنبه ۲۷ ربیع‌الثانی ۱۱۰۳ هجری برابر با ۱۹ ژانویه ۱۶۹۲ م در شهر اصفهان دیده به‌جهان گشود. طبق گفته خود حزین لاهیجی، نزد ملا محمد شاه شیرازی در ۴ سالگی به‌آموزشی علوم مقدماتی پرداخت.^۱ او از اوایل جوانی علاوه بر تحصیلات دینی به شعر و ادب علاقه خاصی داشت، اما هیچ وقت مذاق شعری وی مانع پیشرفت او در راه تحصیلات علوم دینی نشد.

ناگفته نماند که با توجه به‌حمایت و پشتیبانی حکومت صفویه آن زمان علوم اسلامی بسیار رونق یافته بود. در سراسر ایران، حرف از حدیث و تفسیر، فقه، اصول و

* پژوهشگر بخش دائرةالمعارف رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، دهلی‌نو.

۱. مطلع انوار، مرتضی حسین صدرالافاضل، ص ۱۶۴؛ خراسان اسلامی سرچ سندر، کراچی، ۱۹۸۱ م.

فلسفه بود. شیراز، یزد، تبریز، قم، مشهد و اصفهان مراکز مهم علمی بودند. بین بزرگان آن زمان پدر حزین شیخ ابوطالب نیز جایگاه خاصی داشت. او علاوه بر اینکه از پدر خود، علوم دینی را فراگرفت، از استادان نوابغ آن زمان هم کسب فیض نمود و برای ادامه تحصیلات به سوی سرزمین‌های عربی نیز مسافرتی کرد.

آن‌گونه که از منابع برمی‌آید، حزین در ۸ سالگی تجوید و قرائت را از قاری ملک حسین یاد گرفت. شرح جامی، شرح نظام، تهذیب، شرح ایساغوجی، شرح شمسیه، شرح مطالع الانوار، شرح هدایت‌الحکمه، حکمت‌العین، تلخیص‌المعانی، مطول، المغنی، جعفریه، مختصر النافع، الارشاد، شرائع الاسلام، معالم‌الاصول، من لایحضره الفقیه، تفسیر صافی، زبدة‌الاصول، شرح تجرید و تشریح‌الافلاک را پیش پدرش خواند. سه سال تحت تعلیم و تربیت خلیل الله طالقانی بود.

آورده‌اند که شیخ طالقانی در شعر و ادب دستی داشته است و به شیخ محمد علی تخلص «حزین» داد. حزین احیاء‌العلوم و رسائل اضطراب را از عارف نامدار شیخ بهاء‌الدین گیلانی آموخت. آقا هادی بن ملّا صالح مازندرانی، به‌ویژه تهذیب‌الاسلام درس داد. خلاصه‌الحساب شیخ بهایی را پیش عموی خود و تفسیر بیضاوی، جمع‌الجوامع طبرسی را نزد کمال‌الدین فسوی خواند. الاستبصار، شرح لمعه را از حاجی محمد طاهر یاد گرفت و همین‌طور منطق تجرید و کتب شیخ‌الرئیس را پیش قدوة‌الحکما، شیخ عنایت الله گیلانی خواند. فصوص‌الحکم ابن عربی و شرح هیاکل‌النور را نزد امیر حسن طالقانی یاد گرفت. طب را از حکیم مسیحا آموخت. ریاضی و حکمت را از میرزا محمد طاهر فراگرفت. اصول کافی را نزد ملّا محمد شیرازی خواند. طبیعات شفا، الهیات شرح اشارات و حواشی قدیمه و جدیده را پیش محمد مسیح مسیحا فسوی خواند. الوافی و کتاب‌های در موضوع درایت و رجال را نزد لطف الله شیرازی آموخت. همچنین تلویحات و قانون را از محمد باقر صوفی و نجوم را از عبدالکریم اردکانی یاد گرفت. از شیخ سلام الله شولستانی شیراز حرفه تجرد و قطع تعلق را آموخت. اغلب کتابهای معروف و غیرمعروف را از محمد صادق اردستانی یاد گرفت.

علاوه بر این به‌منظور بررسی علوم و عقاید مسیحی، یهود و مجوسی‌ها با دانشوران آن مکتبهای فکری مباحثه و گفت و گو کرد. در سنت اونس انجیل و شرح انجیل را

خواند و تمام عقاید و اعمال مسیحیت را بررسی نمود و اولویت عقاید اسلامی را به اثبات رساند. از شعیب ربی، توریت خواند. از زرتشتیهای اطراف شیراز با عقاید مجوسی آشنایی پیدا کرد.^۱

ناگفته نماند که یکی از آرزوهای مهمّ حزین کتابت قرآن کریم بود که در زمان اقامت در نجف اشرف توانست عملی کند.

بررسی مزبور نشان می‌دهد که حزین در تحصیل علوم، به‌ویژه علوم دینی (اعم از عقلی و نقلی) اغلب عمر خود را سپری نمود و همچنین آشکار می‌نماید که گرایش و تمایل اصلی این شخصیت علمی چه بوده است؟

افزون بر این، در اینجا اسامی بعضی از علما و مشاهیری ذکر خواهد شد که علامه ذوفنون با آنان ملاقات داشت. آیت الله آقا حسین خوانساری، محمد باقر مجلسی، میرزا علاءالدین محمد گلستانه، شیخ جعفر قاضی کمره‌ای، علامه شیخ علی، مسیحا کاشانی، الحاج ابوتراب، رضی‌الدین، شمس‌الدین فرزند محمد سعید گیلانی، میرزا حسن فرزند عبدالرزاق لاهیجی، میرزا محمد ابراهیم قزوینی، قوام‌الدین محمد قزوینی، جمال‌الدین فرزند آقا حسین خوانساری، محمد گیلانی سراب، شیخ محمد امین شیرازی، محمد علی سکاک، میرزا مهدی نسابه، میرزا ابوطالب شولستانی، صدرالدین سید علی خان مدنی، شیخ محمد بحرینی، ابوالحسن اصفهانی، نورالدهر گیلانی، شیخ یونس، سید قاسم نجفی^۲ با توجه به مطالبی که گذشت به راحتی می‌توان گفت که شیخ لاهیجی بیشتر محیطی را دوست داشت که در آن حرف از دین باشد.

در سال ۱۱۳۴ هجری محمود افغان به شهر وی حمله کرد و حزین سه ماه خانه‌نشین شد. سپس از خوانسار به خرم آباد رفت و با تمام سراسیمگی و مصیبت، به طلب علوم دینی مدت دو سال تفسیر بیضاوی، اصول کافی و شرح اشارات تدریس نمود. در سال ۱۱۴۲ هجری در طی یک سفر مریض شد و برای دو ماه در مازندران سکنی گزید.

۱. مطلع انوار، مرتضی حسین صدرالافاضل، ص ۱۶۵، خراسان اسلامی رسچ سنتر، کراچی، ۱۹۸۱ م.

۲. همان، ص ۱۶۷.

شایان ذکر است که در این مدت نیز طلب علم دینی از محضر وی بهره بردند و اصول کافی، من لایحضره الفقیه، الهیات شفا و شرح تجرید را نزد وی خواندند.^۱

سید محمد حسین فیض‌آبادی، میر اولاد علی زائر و علامه تفضل حسین خان از جمله شاگردان معروف هند نژاد وی بودند.^۲

حزین به هر شهر و دیاری که می‌رفت مورد احترام فراوان قرار می‌گرفت.^۳ درباره تمایل و جنبه اصلی و آشکار این شخصیت بزرگ، به راحتی می‌توان به این نتیجه رسید که او از زمان کودکی به علوم دینی و مذهبی، طاعات و عبادات، فعالیت‌های تدریس و تبلیغ دینی گرایش خاصی داشت و آن چنان خود را وقف این‌گونه خدمات کرده بود که تا آخرین لحظات حیات نشانه‌های تأثیر آن در زندگیش دیده می‌شود. کما اینکه خود حزین در این مورد چنین می‌گوید:

”رغبتی موفوره به طاعات و عبادات بود. لذتی عجیب از آن می‌یافتم و ایام و اوقات متبرکه را مصروف به احیا و مواظبت به اذکار و دعوات ماثوره می‌نمودم و بسیاری از نوافل و سنن عملیه ضایع نشد و دل را طرفه رقت و صفایی و سینه را انشراحى بود و ذکر آن احوال چنانکه بود نتوانم کرد. آنچه گفتم از مقوله «ذکر النعم من بضائع المساکین» است.^۴“

ناگفته نماند که یکی از آرزوهای مهم حزین کتابت قرآن کریم بود که در زمان اقامت در نجف اشرف توانست عملی کند. این هم بیانگر ذهنیت دینی و دینداری وی است. علاوه بر این در خصوص مطالعات و بررسی تطبیقی بین مذاهب و فرق اسلامی وی هم می‌توان از خود او سخنی شاهد آورد:

”همچنین به اختلاف مذهب اسلام پرداختم و کتب هر فرقه و سخنان هر یک را پی بردم و منصفانه و مشتاقانه ملاحظه کردم و از هر یک فرقه هر جا کسی می‌یافتم که ربطی به مذهب خود داشت با او صحبت می‌داشتم و استعلام مقاصد

۱. همان.

۲. مطلع انوار، مرتضی حسین صدرالافاضل، ص ۱۷۱، خراسان اسلامی رسچ سنتر، کراچی، ۱۹۸۱ م.

۳. تاریخ حزین، ص ج؛ انتشارات کتابفروشی تائید، اصفهان، چاپ سوم ۱۳۳۲ ش.

۴. همان، ص ۱۲.

و سخنان او می‌نمودم و در این وادی مرا با ارباب آراء آن مقدار گفت و شنید روی داد که خدا داند^۱.

با توجه به مطالب مزبور می‌توان گفت که حزین صرفاً به تحقیق و پژوهش فقه و دین خود اکتفا نکرد بلکه بر مسائل دینی مذاهب و فرق دیگر نیز اشراف کاملی داشت و به‌همین سبب شاگردی علمای مذاهب دیگر را لطمه‌ای بر جایگاه و موقعیت خود نشمرد و بی‌دریغ از آنان استفاده کرد. او عالم دینی است که سینه بی‌کینه داشت و با کمال شرح صدر و وسعت نظر، اغلب ادیان را مطالعه می‌کرد. چون این برای کسی که دین شناس واقعی و دیندار سرسختی بوده باشد بعید به نظر می‌رسد می‌توان به عدم تعصب دینی حزین پی برد.

فزون بر این، حزین شخصیتی است که بیش از ۲۰۰ آثار ارزنده دارد. جالب این است که اغلب تألیفات وی دارای مطالب دینی است و حتی اشعار وی بزرگترین شاهد شخصیت دینی بودن حزین است. به‌همین دلیل، اگر تألیفات وی با انصاف بررسی شود بیشتر مسائل دینی و فقهی به چشم می‌آید یا اگر اشعار وی به دقت بررسی شود به‌این نتیجه خواهیم رسید که اغلب شعرهای وی حاوی مطالب و مضامین عرفان و دوستی اهل بیت^(ع) است.

اجمالاً، به نظر می‌رسد که او با اینکه از جمله حکما و فیلسوفان طراز اوّل و یکی از قوی‌ترین شاعران زمان خود بود، شخصیت مذهبی و عالم دینی بودن وی بیشتر توجه ما را جلب می‌نماید و نسبت به ابعاد دیگر، جنبه شخصیت مورد نظر پررنگ‌تر دیده می‌شود.

منابع و مأخذ

فارسی

۱. تاریخ حزین، انتشارات کتابفروشی تائید، اصفهان، ۱۳۳۲ ش.
۲. تاریخ و سفرنامه حزین، شیخ محمد علی لاهیجی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵ ش، تهران.

۱. همان، ص ۲۹.

۳. تذکرة المعاصرین، محمد علی حزین لاهیجی، انتشارات سایه، ۱۳۷۵ ش.
۴. دایرة المعارف تشیع، ج ۶، نشر شهید سعید محبّی، تهران، ۱۳۷۶ ش.
۵. رسائل حزین لاهیجی، حزین لاهیجی، میراث مکتوب، تهران، ۱۳۷۷ ش.
۶. فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، آذر تفضلی - مهین فضایی جوان، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۲ ش.
۷. مجموعه مقالات کنگره بزرگداشت علامه ذوفنون محمد علی حزین لاهیجی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۸. مرآت الاحوال جهان نما، آقا احمد بهبهانی، چاپ سهند، ۱۳۷۲ ش.
۹. نجوم السماء، میرزا محمد مهدی، انتشارات مکتبه بصیرتی.

عربی

۱۰. الاعلام، خیرالدین زرکلی، ج ۶، چاپ دارالعلم، بیروت.
۱۱. اعیان الشیعه، حسن امین، ج ۱۰، ص ۶، چاپ دارالتعارف، بیروت.
۱۲. نزهة الخواطر، عبدالحی حسنی، ج ۶، ص ۳۳۳، دایرة المعارف عثمانیه حیدرآباد (هند) ۱۳۹۸ هـ / ۱۹۷۸ م.

اردو

۱۳. تذکرة بی بها، سید محمد حسن نوگانوی، چاپ جید برقی، دهلی.
۱۴. دایرة المعارف اسلامیة (اردو)، دانشگاه پنجاب لاهور، ۱۳۹۳ ش / ۱۹۷۳ م.
۱۵. شیخ محمد علی حزین، پروفیسور شمیم اختر، چاپ ناردن آفیست، لکهنو، ۲۰۰۳ م.
۱۶. مطلع انوار، مرتضی حسین صدرالافاضل، خراسان اسلامی رسرچ سنتر، کراچی، ۱۹۸۱ م.

انگلیسی

17. *The Encyclopedia of Islam*, New Edition, Vol. 3, Leaden 1986.
18. Dr. Shamimul Haq Siddiqi, *Persian Poets of India*, Indo-Iran Society, Delhi.